

آسایشهایی که بانهضت اسلامی

تأمین گردید!

المؤمن كله حرام :

عرضه وماله و دمه.

(ناموس و مال و خون شخص

با ایمان محترم است)

رسول اکرم (ص)

کتابخانه سندره هیئت قم

هدف از تشکیل زندگی اجتماعی رفاه و آسایش در زندگی برای عموم افراد است .

انسانها برای اینکه بتوانند حتی المقدور بجمیع احتیاجات خود برسند و با فکر راحت روز بگذرانند ، دست برادری بهم داده تا بكمك يك ديگر زندگی کنند .

پرواضح است که اگر کار اجتماع بجائی برسد که آسایشها و راحتیها را از یکدیگر دور کنند ، زندگی بشکل جهنم سوزانی بیرون میآید ، که ههگی از آن متنفر و بیزارند .

سه چیز است که برای هر فردی بسیار عزیز و گرانبهاست و بطور حتم باید فکرش از ناحیه افراد اجتماع نسبت بآن سه موضوع راحت باشد :

۱ - جان - ۲ - ناموس - ۳ - مال .

در هر اجتماعی که مردم امنیت جان ، امنیت ناموس ، امنیت مال ، نداشته باشند ، باندازه يك سرسوزن آسایش فکر و راحتی خیال نمیتوان پیدا کرد .
قدرتهائی که زمام امر جامعهها را بدست میگیرند ، باید حافظ و نگهدار این سه موضوع حیاتی باشند ، تا ملتها بتوانند در اثر آسودگی فکر ، دنبال تکامل و پیشرفتهای گوناگون علمی و اقتصادی ووو باشند .

ولی ناگفته پیداست ، که قدرت حکومتها هر اندازه هم قوی و پرتشکیلات باشد ، باز محدود است ؛ و نمیتواند در هر حال حافظ جان و ناموس و مال مردم باشد ، بگواهی جنایتهائی که دور از نظر پلیس و مأمورین انجام مییابد .
از اینجا بدست میآید که باید یک نیروی ایمانی بر اعماق جان و دل هر فرد - فرد حکومت کند ، تا در هر حال آنها را کنترل کند و نگذارد امنیت های لازم بمخاطره بیفتد .

البته نمیخواهیم ادعا کنیم که صرف عقائد مذهبی رادع و مانع از هر گونه جنایتی میباشد ، و احتیاجی بقدرت حکومت ظاهری و مذهبی ، نداریم بلکه می - خواهیم بگوئیم در هر اجتماعی این دو قدرت لازم است ، و قدرت ایمان بیشتر از قدرت هر مأمور و تشکیلات است .

اکنون خدمات اسلام عزیز را نسبت بتأمین آسایش و امنیت برای هر سه موضوع فوق بررسی و ملاحظه میکنیم :

احترام بخون بشر

یکی از چیزهائی که از نظر تاریخ مسلم است ، و قابل هیچگونه تردید نیست ، **رواج قتل نفس و آدم کشی** بناحق قبل از اسلام است بطوریکه یکحرف که زیاد سبب میشد که جنگ خونینی بپاشود و جمعیت زیادی از طرفین کشته شوند ! .

جنگ بسوس که منشاء آن کشته شدن يك شتر اشتهاها بود نمونه ای از سفاکی مردم آن دوران است و کشتن فرزندان اعم از پسر و دختر از ترس تنگدستی ، بسار ! و زنده بگور کردن دختران کار معمولی آنها شده بود .

در چنین روزگار سیاهی اسلام بکمک بشرقیام کرد ، و قانون حرمت قتل نفس را بایکدنیا تشدید و سختگیری گوشزد نمود ؛ و نهایت احترام را برای خون بشر قائل شد . گناه کشتن یکفرد را با گناه کشتن تمام بشر برابر دانست ، و خلود در عذاب دردناک جهنم را کفیرا خروی آن قرارداد .

در اسلام دامنه جلوگیری از قتل نفس حتی بنطفه ای که تازه در رحم منعقد شده کشانیده شده است ، و اجازه نمیدهد که کسی نطفه را از بین ببرد ! و مجازات

آنرا ۲۰ مقال طلا کفاره مقرر نموده است ! . رسول اکرم (ص) فرمود :
 نخستین چیزی که خداوند روز حساب درباره آن حکم میکند خون ریزی است .
 هنوز مدت زیادی از قیام پیامبر اسلام (ص) نگذشته بود ، که در اثر تربیت
 اسلامی و ایجاد روح ایمان بخدا و روز حساب ، صحنه عربستان حجاز بکلی عوض
 شد ! و بجای آنهمه ناامنی ، امنیت عمومی از نظر احترام بخون یکدیگر گسترش
 پیدا کرد ! و فرزندان معصوم از چنگال بیرحمانه پدران نادان و قسی القلب
 نجات یافتند .

بد نیست که در اینجا مقایسه ای بین بشر دوستی اسلام ؛ و احترامی که نسبت
 بخون انسانها از ۱۴۰۰ سال پیش تقریباً عملاً انجام داده است ، و بین اعمال انسان-
 نماهای قرن اخیر بنمائیم .

در تمام جنگهایی که در زمان رسول اکرم انجام شده است - و گویا حدود
 ۸۰ جنگ است - آمار تلفاتی که مسلمانها و کفار از طرفین داده اند حدود ۱۰۱۸
 نفر بوده است (۱)

اما تلفاتی که از جنگ خانمانسوز اول که ۱۵۶۵ روز بطول انجامید ۹ میلیون
 نفر فقط در میدان جنگ بر اثر زخمی شدن از بین رفتند ! و تلفات شهرها پیش از
 تلفات میدان جنگ تخمین زده شده (۲)

تلفات جنگ جهانخوار دویم که اخیراً اعلام شده است فقط ۵۵ میلیون نفر
 بوده است (۳)

ولا بد شنیده اید که طبق دستور ترومن رئیس جمهور سابق امریکا برای تسخیر
 ژاپن شهر (هیروشیما) را در ۶ اوت ۱۹۴۵ بمباران نمودند ، و در حدود ۷۸۱۵۰
 نفر فوراً از بین رفتند ! (۴)

تازه - حالا که دوران برقراری صلح و صفای بین کشورهاست ملاحظه میکنیم
 که هر چندی در نقطه ای آتش سوزان جنگ زبانه میکشد و گروهی را طعمه خود

(۱) ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین .

(۲) جهان در قرن بیستم .

(۳) مکتب اسلام شماره ۱۱ سال ۶

(۴) جهان در قرن بیستم

میسازد، و قدرت بمب‌هائی که اخیراً تهیه شده است ۵ هزار برابر بمبی که برهروشیهما افکنده شد میباشد (۱)

نمونه‌ای از سیاست حکومت اسلامی

اسلام قصاص و کشتن قاتل را یک راه مهم برای پیشگیری از خونریزیهای بعدی میدانند .
 و برقراری حیات را مروهون قصاص می‌شمارد (۲) **ولکم فی القصاص حیاة (۲)**
 از این رهگذر حکومت‌های حقاً اسلامی حکم قصاص را اجراء نمودند (۳).
 منصور عباسی طواف خانه خدا میکرد ، مردی با فریاد گفت . خلیفه!
 این دونفر شب در منزل برادر من آمدند و او را از منزل بردند ، و تا بحال برنگشته
 نمیدانم چه سرش آوردند ! منصور با آنها گفت : او را کجا بردید ؟ گفتند
 مقداری با او حرف زدیم ؛ سپس بخانه برگشت ، منصور گفت بروید . فردا عصر
 اینجا حاضر شوید ، فردا که آمدند ، منصور از امام صادق (ع) خواهش کرد که
 بین آنها قضاوت فرماید .

امام بدادخواه فرمود حرف تو چیست ؟

: اینها شب برادرم را از منزل برده اند دیگر برنگشته و نمیدانم چه شده .
 بآن دونفر فرمود : شما چه می‌گوئید ؟
 : با او حرف زدیم و بخانه برگشت .

آنگاه امام (ع) از رسول اکرم حدیثی بیان فرمود که هر کس شب هنگام
 کسی را از خانه بیرون برد ضامن است مگر اینکه شاهد بیاورد که او را برگردانیده
 است ، سپس اشاره بیکی از آنها کرد و بفلامش فرمود اینرا بپیر کردن بزنی ؛ آنمرد
 وحشت زده گفت : بخدا قسم من او را نکشتم ، لکن او را گرفتم و اینمرد او را
 کشت ، او هم اقرار کرد ، آنگاه طبق فرمان حضرت ؛ قاتل را کشتند و دیگری
 را هم پس از کتک زدن بزندان ابد و تجدید ۵۰ تا یانه در هر سال محکوم
 فرمود (۴) .

(۱) مقدمه اسلام و صلح جهانی (۲) سوره بقره آیه ۱۷۹ .

(۳) البته ولی دم میتواند عفو کند .

(۴) تلخیص از وافی ، کتاب القضاء .

احترام با اموال دیگران

کابوس وحشتناک فقر سایه شوم خود را بر مردم حجاز افکنده بود؛ وضع اقتصادی آنها بقدری فلاکت بار شده بود که حتی از گوشت سوسک و عقرب و مار هم نمیگذشتند!

پرواضح است که در چنین محیطی چپاول و غارتگری و سرقت اموال یکدیگر تاجه اندازه رواج دارد؛ و بلای خانمانسوز ناامنی چطور بیداد میکند. نهضت اسلامی همزمان با این فقر و بیچارگی شروع شد، و همان گرسنه‌ها را با احترام اموال یکدیگر مامور ساخت؛ و تمام راههای باطل از قبیل دزدی، غارت؛ غصب را با فرمان **یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل** (۱) قذغن و ممنوع فرمود.

رسول اکرم (ص) خون و مال مردم مسلمانرا در یک ردیف قرارداد؛ و فرمود: **لا یحل دم امری مسلم و لاماله الا بطیبة نفسه** (۲)

قرآن کریم مجازات و کیفر دزد را بریدن دست تعیین نمود آنگاه طولی نکشید که باز امنیت و آسایش خاطر مستقر شد؛ و همان فلک زده های گرسنه تا مدتی در فقر و بیچارگی میسوختند، ولی در اثر ترس از خدا و روزه جزا که از مکتب تربیتی اسلام فرا گرفتند، دست تعدی با اموال دیگران دراز نمیکردند!

نگهبانی ایمان بخدا

عبدالله بن عمر با تفاق جمعی بیرون مدینه آمده بودند، سفره را گسترده مشغول نهار بودند، چوپانی از آنجا عبور کرد باو تعارف کردند، گفت: روزه هستم؛ عبدالله گفت: عجب! روزه! آنهم با این هوای سوزان و دوندگی در بیابان؟ گفت: بفکر روزهای آینده ام هستم؛ عبدالله گفت: ممکن است یکی از این گوسفندها را با ما بدهی، به آیش با مقداری هم گوشت برای افطارت بتو بدهیم؟ گفت: گوسفندها مال من نیست؛ عبدالله گفت: ای بابا؛ وقتی صاحبی آمد و دید نیست چکار میکند؟ چوپان گرسنه بیابانی در حالیکه ناراحت شده بود

(۱) سوره نساء؛ آیه ۲۹

(۲) وافی، کتاب القصاص؛ ضمن حدیث حجة الوداع

و داشت میرفت، با سمان اشاره میکرد و میگفت : «فاین الله» پس خدا کجا است؟ (۱)
 وقتی عربها ایران را فتح کردند ؛ تخت و تاج کسری و جواهرات و اموال
 فراوانی بدست آنها افتاد ، اما بدون اینکه کوچکترین خیانت در آنها بکنند
 نزد عمر آوردند ؛ خلیفه وقتی آنها غنیمت را دست نخورده تماشا کرد گفت :
ان امة تؤدی مثل هذا ولا تخون شیئاً لامة امینة یوشک ان تغلب علی
سائر الامة - ملتى که اینهمه جواهرات گرانبهارا بدون خیانت تحویل میدهد ،
 ملت امینی هستند که در اثر همان امانت داری بر سایر ملل فائق و غالب می آیند (۲)
 بازیکی از همان عربها در فتح مدائن ظرفی مملو از بهترین اقسام جواهرات
 نزد متصدی جمع غنیمت آورد . متصدی و دیگران که از این نمونه جواهرات
 در بین غنائم ندیده بودند حیران شدند، گفتند چیزی هم از این برداشته ای؟ گفت:
والله لو لا الله ما تیتکم به - بخدا قسم اگر خدا نبود اصلاً آنرا نمی آوردم !

دو نمونه از سیاست حکومت اسلام

همانطور که سابقاً گفتیم برای ایجاد هر گونه نظم و امنیت ، هم قدرت
 ایمان لازم داریم و هم قدرت حکومت ظاهری . لذا اسلام از یک طرف روح ایمان
 را در مردم تزریق میکند و از طرفی هم متجاوزین را تنبیه مینماید .
 ۱ - دزدی را حضور علی (ع) آوردند امام دست ادر اقطع کرد (۳) پس از
 چندی باز دزدی کرد چون او را نزد آنحضرت آوردند ، این بار پای چپ او را
 قطع نمود ، برای بار سوم هم دزدی کرد . این بار فرمان زندان ابد در حق
 او صادر فرمود (۴)
 ۲ - شبی فریادی بلند شد ؛ مردی افراد را بیاری خود میطلبید . صدای

(۱) اسد الغابة - ج ۳ عبدالله بن عمر

(۲) از مقاله مرحوم آیه الله کاشف الغطاء بنقل علماء معاصرین ،

۳ - از نظر شیعه از بیخ انگشتها بریده میشود .

(۴) وافى ابو ب الحدود

اوبعلی(ع) رسید، آنآبجانباوحرکت فرمود. دونفر بهم گلاویز بودند، یکی از آنها تاجشمش باامام افتاد، عرض کرد: جامه‌ای بقیمت ۹ درهم باین مرد فروخته‌ام ودر پولهاشرطی کرده بودم، او پول دیگری بمن داده باوگفته‌ام: پولها راعوض کن؛ حاضر نشده به علاوه چند سیلی هم بمن زده.

حضرت دستور داد: پولها راعوض کند، سپس ازمدعی اقامه دوشاهد بر سیلی خوردن خواست، او گواه را حاضر کرد، آنگاه حضرت باوکه زده بود فرمود: بنشین. نشست. و باوکه سیلی خورده بود فرمود: بیا تلافی کن عرض کرد: اورا بخشیدم. امام بخشش اورا پذیرفت، ولی خودش ۹ سیلی باوزد و فرمود: **هَذَا حَقُّ السُّلْطَانِ**، این حق زمامدار است (بمنظور نگهبانی از حقوق مردم) (۱).

حفظ ناموس اجتماع

اسلام بقدری بمسئله حفظ ناموس مردم اهمیت داده است که ازیک طرف تمام راههایی را که ممکن است ناموس اجتماع را بخطر بیندازد از قبیل نگاه بانها، اختلاط اجنبی با آنها و و مسدود نموده و خود آنها را هم موظف نموده است که رعایت حجاب و پرده داری را بنمایند و از طرف دیگر کشتن افراد بی عفت را در بعض موارد تجویز نموده است (۲)

و این موضوع دامنه زیادی دارد که با توفیق خداوند در وقت دیگری آنرا دنبال میکنیم.

(۱) الامام علی ج ۲ ص ۴۷۸

(۲) مانند اینکه کسی مردی را با همسر خود در حال عمل منافی عفت ببیند